ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۵ | اذان مغرب ۱۹/۵۴ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۱ | اذان صبح فردا ۵/۰۷ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۴

سخن روز

رسول‌الله(ص):
برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است.
الکافی، ج ۴، ص ۶۲، ح ۳

برای انتقال تفکر و اندیشه شهید آوینی قدم برداریم

سیدمحمد نادری: به نظرمی‌آید سیدمرتضی آوینی نه آنقدر دور و دست‌نیافتنی است و نه آنقدر نزدیک و در دسترس که با مطالعه چند جلد کتاب به شخصیت ایشان نزدیک شویم؛ اما آنچه مسلم است تکلیف انقلابی ما نسبت به آرا و اندیشه‌های شهید آوینی است. شما دوستان می‌دانید و دیده‌اید که همه ساله مراسم و مناسبت‌ها و برنامه‌های متعدد و مختلفی در خصوص شهید آوینی برگزار می‌کنیم و همگی هم مدعی پیروی از مکتب فکری شهید آوینی هستیم اما سال‌ها است که شاهد رویش‌هایی که به تناسب فعالیت‌ها صورت گرفته نیستیم پس بدون تردید در نقطه دچار مشکل هستیم، شاید یک‌بار برای همیشه باید این نگاه‌ها را کنار بگذاریم، هم شهید را دست‌یافتنی فرض کنیم و هم برای انتقال تفکر و اندیشه شهید آوینی قدم برداریم، نسل جوان امروز تشنه یادگیری معارف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است و من مطمئن هستم در کنار توانمندی‌ها عزیزان پیشکسوت در روایت فتح و ایجاد این پیوند به‌زودی شاهد رویش و شکوفایی این عزیزان خواهیم بود.

بخشی از صحبت‌های رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح در آیین بزرگداشت بیست و نهمین سالگرد شهادت سیدمرتضی آوینی با حضور جانشین فرماندهی کل سپاه در باغ موزه انقلاب و دفاع مقدس

دعای روز دهم
ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْفَائِزِینَ لَدَیْکَ وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ إِلَیْکَ بِإِحْسَانِکَ یا غَایَةَ الطَّالِبِینَ

خدایا مرا در این ماه از توکل کنندگان و از رستگاران نزد خود و از مقرّبان درگاهت قرار بده، به احسانت ای هدف جویندگان.

نگاره

کیان رادپویان

ارز دیجیتال: آینده اقتصاد یا کلاهبرداری مدرن

داستان فراق

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

بعد از غائله «آتابای» و سکوت معنی‌دار هادی حجازی‌فر، نیاز بود تا او به‌عنوان کارگردان، از حیثیت حرفه‌ای‌اش دفاع کند. «موقعیت مهدی» پس از موفقیت فیلم خوب «آتابای» یک اتفاق مهم در کارنامه حجازی‌فر است. فیلمی که انرژی و جذابیتش را صرفاً از نام و اعتبار شخصیت اصلی‌اش که یک قهرمان ملی است و درباره زندگی او کنجکاوی فراوان است، نمی‌گیرد. «موقعیت مهدی» فیلمی تأثیرگذار است، بدون اینکه سازنده‌اش بخواهد روی احساساتی کردن تماشاگر دست بگذارد. درست نقطه مقابل اتفاقی که در «درخت گردو» (محمدحسین مهدویان) افتاده. داستان زندگی قادر (پیمان معادی) به اندازه کافی دردناک و جگرسوز بود و مهدویان با برجسته کردن فراوان احساسات و نمایش آه و اشک و درد در فیلمش، ابتدا احساس تماشاگر را درگیر می‌کند و سوار بر موج عواطف پیش می‌رود، با این همه ضعف‌های فیلم، خود را از پس این نمایش سوزناک نشان می‌دهد.

در نقطه مقابل، هادی حجازی‌فر در احساساتی‌ترین فصل‌های «موقعیت مهدی» متوجه این نکته بوده که بار احساسی آن صحنه چقدر است و کشش تماشاگر برای تحمل درد و اندوه چه میزان است. پرهیز آگاهانه او، فیلم را به اثری متعادل و یکدست تبدیل کرده که اتفاقاً قادر است قلب تماشاگرش را چنگ بزند، اما از احساساتی کردن افراطی او دوری می‌کند. فیلم در چند پرده، از مهدی و حمید می‌گوید. دو شهید شاخص سال‌های دفاع مقدس که سلوک و سبک زندگی‌شان در تمام سال‌های نبودن آنها، مورد توجه و مثال زدنی بوده است.

یکی از بهترین فصل‌های فیلم جایی است که زهرا خواهر مهدی و حمید، به مهدی انتقاد می‌کند که چرا پیکر برادرش را به پشت جبهه منتقل نکرده است. این فصل، با بازی‌های درست همه بازیگرانش، دیالوگ‌نویسی خوب و حس و حالی که دارد، به نقطه عطفی در فیلم تبدیل می‌شود که هم در تکمیل پازل شخصیت شهید مهدی باکری نقش دارد، هم در میان اپیزودهای فیلم، جایگاهی خاص پیدا می‌کند. کارگردان، در همه فصل‌ها، اجازه نداده لحن فیلم از دست برود، از سویی دیگر به مهدی به‌عنوان یک شخصیت چند وجهی نگاه کرده که حتی می‌توان از منظری به بعضی تصمیم‌ها و روش‌هایش انتقاد کرد. پرده «من مهدی باکری نیستم» و نمایش رفاقت مردانه خسرو و محمد، که یکی از بهترین پرده‌های فیلم است، خسرو را در نقطه مقابل قهرمان فیلم نشان می‌دهد. اگرچه همین فصل در راستای تأکید بر خاص بودن سبک زندگی مهدی باکری است، اما گنجاندن آن در فیلم، بر خلاف سنت اغلب فیلم‌های دفاع مقدسی است.

«موقعیت مهدی» محصول تلاشی است که در یک دهه اخیر حجازی‌فر در سینما داشته است. تجربه‌های مشترکش با مهدویان در بازیگری و همکاری در ساخت «آتابای» به ساخت یکی از بهترین فیلم‌های سینمای دفاع مقدس منجر شده که امضای سازنده‌اش را دارد و با وجود تسلط او در کارگردانی صحنه‌های درگیری و جنگ، شبیه فیلم هیچ فیلمساز دیگری نیست و این، ارزشی مضاعف به نخستین تجربه کارگردانی حجازی‌فر می‌دهد. فیلم، پر از فصل‌های به یادماندنی است، با جزئیات و واقعی. مثل گفت‌وگوی دو برادر، در حالی که موزاییک‌های لق حیاط را تعمیر می‌کنند. انتخاب بازیگران (که اغلب آنها شناخته شده نیستند) و استفاده درست از زبان ترکی به فیلم هویت داده است. پایان «موقعیت مهدی» همانی است که از آن انتظار می‌رود، مکث روی زیر آب رفتن پیکر قهرمان و پس از آن، چشم‌های‌تر همسری که به محبوبش خیره شده و با او در تنهایی سخن می‌گوید. گویی که می‌داند این وصل را دوامی نیست.

روز دهم ماه رمضان

یک دقیقه با خدا

عبدالرحیم سعیدی‌راد
شاعر و پژوهشگر

ما آدم‌های عجول، گاهی برای رسیدن به خواسته‌هایمان اصرار داریم و دوست داریم خیلی زود به آنها برسیم. بدون اینکه توجه داشته باشیم که ممکن است این خواسته برایمان مفید نباشد. حتی گاهی برای رسیدن به این آرزوها، تلاش‌های زیادی می‌کنیم اما چون به آن نمی‌رسیم زبان به گلایه باز می‌کنیم. غافل از اینکه حکمت تو در نرسیدن یا دیر رسیدن به آن است.

ای خدایی که با نعمت‌هایت با ما اظهار دوستی می‌کنی!
در دهمین روز از میهمانی رمضان، ما را به‌خاطر خواسته‌های نابجایمان ببخش و آن چیزی را نصیبمان کن که رضای خاطر تو در آن است. همین!

از بخشیدن خود تا بخشیدن دیگری/۷

فضیلت گذشت در دنیای کودکی

یک فنجان چای

آزاده سهرابی
روانشناس

می‌گفت دخترم مثل خودم شده و زیادی به بقیه باج می‌دهد. منظورش این بود زیاد از دیگران به دل نمی‌گیرد و راحت می‌بخشد. می‌خواست دخترش شبیه خودش نشود. داشتیم از یک بچه ۶ ساله صحبت می‌کردیم که ظاهراً براحتی اسباب بازی‌هاش رو به دوستانش می‌بخشید و یا اگر بچه‌ای باعث آسیبی در بازی به او می‌شد سریع می‌گفت تقصیر دوستم نبود.

دغدغه‌های این مادر فارغ از اینکه تجربه زیسته خودش چه بوده و تحلیل اینکه واقعاً چقدر دیگران را از صمیم قلب می‌بخشیده یا برای از دست ندادن‌شان باجی به قول خودش می‌داده، جای تأمل دارد. اینکه بچه‌ها در این دنیای وسیع بخشیدن کجای ماجرا می‌ایستند و آیا تشویق مداوم بچه‌ها به اینکه به دل نگیرند (از برادر و خواهر بزرگ‌تر و کوچک‌تر، از والدین، از همبازی‌ها و...) خوب است یا تشویق آنها به اینکه اگر از هر کسی آسیبی احساسی دیدند بتوانند آن را ببینند و بگویند و آنها هم برای بخشیدن مختار باشند؟ این سؤال‌ها از این جهت اهمیت دارد که از آن طرف با بچه‌های پرخاشگر یا مدام در حال قهر کردن یا سفت و سخت در بخشیدن دیگری روبه‌رو هستیم و باز نکته در این است که ممکن است والدین تصور کنند این بچه‌ها بعدتر می‌توانند حق خود را از زندگی بگیرند و کمتر آسیب ببینند در حالی که تصور این مادری که در اول مطلب درباره خواسته‌اش صحبت کردیم این است که فرزندش به خاطر دل مهربانی که دارد در آینده آسیب می‌بیند و شاید کسی شبیه خودش می‌شود.

همه ماجرای بخشیدن به بچه‌ها که می‌رسد بیش از هر چیز به داستان زندگی والدین‌شان برمی‌گردد که چه تجربه‌هایی از آسیب‌ها و تعارض‌ها و نحوه برخورد خودشان با آن و مهم‌تر از همه نتیجه برخوردشان دارند. حتماً مادری که دوست دارد فرزندش شبیه خودش باگذشت نباشد، در فهم گذشت دچار مشکل است. چنین مادری ممکن است بیشتر برای از دست ندادن دیگران ایثار کرده باشد چون قطع ارتباط با دیگری برایش اضطراب‌آور بوده نه اینکه حقیقتاً باگذشت باشد. از آن سو چنین مادری ممکن است فرزندی تربیت کند که ایثار و گذشت را یاد نگیرد. پس دقیقاً درست ماجرای تربیت کودکانی که قابلیت گذشت را در خود پرورش دهند اما در عین حال دچار فداکاری‌های افراطی و دام نگرانی مفرط از دست دادن دیگران نشود چیست؟

جواب این سؤال از این جهت مهم است که قابلیت گذشت و درک دیگری و همدلی با دیگران یک فضیلت است که باید از کودکی آموزش داده شود و از سوی دیگر شکل‌گیری شخصیتی که وابسته و چسبنده به دیگری باشد و مدام تأیید دیگران برایش اهمیت داشته باشد نیز در همین سن شکل می‌گیرد و پدر و مادری که به مرز این دو آگاه نباشد، نمی‌تواند در تربیت کودکی در تعادل انتخاب بین خود و دیگری قدم بگذارد. همه اینها در کنار این واقعیت که کودکان خلق و خوی منحصر به فرد خود را دارند و در دنیای خودمحوری زندگی می‌کنند که کم کم در تعامل با کودکان دیگر و اطرافیان باید از خودمحوری دربیایند کار را پیچیده‌تر می‌کند. در یادداشت بعدی چگونه قدم زدن روی این مرزهای باریک در فرزندپروری را مرور می‌کنیم.

ما تابلوی نقاشی هستیم

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

اگر همه اتفاقات زندگی ما اعم از علایق، آرزوها، باورها و البته رخدادها و تصمیمات‌مان به خطوطی رنگی تبدیل شوند، آن وقت احتمالاً زندگی ما به تابلوی نقاشی بزرگی تبدیل می‌شود که شاید اتصال این خطوط شکلی در آن به وجود بیاورد، یک تصویر معنادار بسازد و حسی را منتقل کند که همان معنای زندگی ما و حاصل عمرمان خواهد بود. علاقه‌ای در کودکی که به رخدادی در بزرگسالی متصل می‌شود و آرزویی در نوجوانی که تصمیمی را در میان‌سالگی پشتیبانی می‌کند؛ باوری که رخدادهای بی‌معنای روزمره را برایمان تلخ یا شیرین و با اهمیت و معنادار می‌سازد و خاطره‌ای در کودکی که تصویر هر روزه ذهن فرسوده شده ما در پیری می‌شود. آری، زندگی همه ما یک تابلوی بزرگ نقاشی است؛ تابلویی نامکشوف و حتی کشیده نشده، پر از خطوط و رنگ‌های متنوع نامرئی که گاه منظم و اغلب آشفته به هم متصل می‌شوند و سفر ما را روایت می‌کنند؛ تصویری که اغلب خود و دیگران دقیق نمی‌بینیم و در سراسر زندگی در پی آن هستیم.

مستند کوتاه «بقایای کیهانی»(Cosmic Debris) محصول سال ۲۰۱۸ به نویسندگی و کارگردانی پاتریک والدروپ این معنا را تداعی می‌کند. فیلم درباره دوستی و رابطه صمیمی یک انیماتور و فیلمساز مجاری به نام گابور سیپو با موسیقیدان بزرگ راک فرانک زاپا است. رابطه‌ای که پیش از ملاقات این دو، در نوجوانی سیپو و به طور فردی اتفاق افتاده است، زمانی که او شیفته طنین استوار صدای زاپا و کلمات و پیچیدگی موسیقی او شده بود.

در سفر پر فراز و نشیب سیپو در فرار از دیکتاتوری مجارستان در میانه قرن بیستم و سرگردانی‌اش دور اروپا در حالی که هیچ نداشته و پیاده کشورها را می‌پیموده تا جایی برای زندگی پیدا کند هیچ خطی از آن علاقه نیست، اما در واقع بزودی سیپو به واسطه معشوقه خود به لس‌آنجلس می‌رسد. آنجا به انیماتور و طراحی مشهور و صاحب سبک تبدیل می‌شود و حالا این فرانک زاپا است که شیفته کار او می‌شود

و این شیفتگی ارتباطی را شکل می‌دهد که دو طرفدار یکدیگر در دو نقطه و زمان مختلف به هم وصل و با هم همکار می‌شوند. تابلوی نقاشی اینجاست که شکل و شکوه پیدا می‌کند. حتی در آخرین ماه‌های زندگی زاپا، سیپو همچون نزدیک‌ترین دوست کنار او بوده است. این اتصالات نامرئی این‌گونه است که برای هر فرد معنایی منحصر به فرد از زندگی می‌سازد و فیلم تحسین شده «بقایای کیهانی» نمایشی دلچسب از این معنا است.

«بقایای کیهانی» که برنده جایزه بهترین مستند انیمیشنی از جشنواره مستند لس‌آنجلس در سال ۲۰۱۸ بوده است و همان سال در جشنواره ترابیکا نیز نامزد دریافت جایزه بهترین مستند بوده، فیلمی است ساده که متکی بر خاطره‌گویی سیپو، عکس‌ها و فیلم‌های آرشیوی خاصه از زاپا و انیمیشن‌هایی است که در میانه روند اثر، مفهوم متخیل و عمیق فیلم را بازتاب می‌دهند. فیلم در عین کوتاهی اثرگذار است و صاحب عمق و رویکردی است که آن را به تجربه هنری دلپذیری برای مخاطب تبدیل می‌کند. این مستند کوتاه در پلتفرم‌های مختلف نمایش خانگی در دسترس مخاطبان است.

«ایران من» برای همه مردم است

پیشنهاد

رضا منصوری
فیزیکدان و کیهان‌شناس

مجموعه هشت جلدی «ایران من» تازه‌ترین اثر من است که توسط نشر دیبایه اواخر اسفند ماه ۱۴۰۰ وارد بازار نشر شد. کتابی که برای مخاطبان عام هم کاملاً قابل فهم و درک است. کتابی است برای همه ایرانیان چه در داخل و چه در خارج هر آن کس که به ایران علاقه‌مند است می‌تواند این کتاب را بخواند. نامش را ایران من گذاشتم چون ایران خانه من است، متعلق به من است، ایران من است، زیستنم در آن معنی داشته و لذتم در دیدن آرامش و رفاه ساکنان آن بوده، شهروندان خانه من! برای آنها نوشته‌ام.

من از سال ۱۳۷۱ مجموعه مقالاتم را در مجلات و نشریات کشور به چاپ رساندم و این مجموعه هشت جلدی حاصل ۳۰ سال تلاش و نوشتن مقالات من و انتشار آنها در نشریات است. اکنون مطالب این مجموعه هشت جلدی با تغییرات و اضافاتی به چاپ رسیده است. همچنین بخش مبانی علم و طراحی مفهومی دانشگاه در ایران هم از جمله مباحثی است که به تازگی تألیف کرده و برای نخستین بار در کتاب منتشر شده است.

در این مجموعه ۳ موضوع کلی مطرح شده است. یکی توسعه علمی ایران، دیگری زبان فارسی به‌عنوان زبان علم و دیگری هم موضوع دانشگاه، علم وتفکر مدرن است. در حقیقت خلاصه این سه موضوع «ایران من» است. همه به ایران و موضوع تاریخ ایران و چگونگی تحولات ایران و چشم‌انداز آن پرداخته شده است.

البته موضوعی که در این کتاب‌هاست جنبه توسعه علمی و زبان است که باید زبان فارسی زبان علم شود تا علم مدرن را بتوانیم به زبان فارسی تکلم کنیم. من در این مجموعه وارد یکسری موضوعات اعم از اقتصادی، ورزشی، سیاسی البته بجز سیاست علم و... وارد نشدم. اما هر آنچه به علم مرتبط می‌شود و به توسعه علم مربوط می‌شود را در این کتاب آورده ام. وقتی از توسعه تفکر در ایران صحبت می‌کنیم به تفکر بشر در دنیای مدرن مربوط می‌شود.

هنرمندان در فضای مجازی

چندی است که فعالیت بخش‌های مختلف فرهنگی با رعایت برخی اما و اگرها به روال گذشته بازگشته است. با این حال تجربه‌هایی که محدودیت‌های کرونایی طی دو سال گذشته سبب شده همچنان مورد توجه اهالی فرهنگ و هنر است؛ از آن جمله می‌توان به علاقه‌مندی برای تداوم پخش نشست‌ها و میزگردهای فرهنگی به شکل آنلاین و بهره‌مندی از امکانات دنیای مجازی اشاره کرد.

■ **یاد او**

این روزها به ششمین سالروز درگذشت منوچهر ستوده، ایران‌شناس و استاد دانشگاه تهران گره خورده، پژوهشگری که نام وی به‌عنوان نخستین فردی در کشور درج شده که دست به تألیف فرهنگ گویشی زده است. از این جغرافی‌دان تاریخی حدود ۶۰ جلد کتاب و نزدیک به ۳۰۰ مقاله به یادگار مانده است. از جمله خدمات ماندگار علمی- فرهنگی ستوده می‌توان به راه‌اندازی مجله فرهنگ ایران زمین به همراه محمدتقی دانش‌پژوه، مصطفی مقربی، ایرج افشار و عباس زریاب خویی اشاره کرد. «فرهنگ گیلکی»، «فرهنگ کرمانی»، «فرهنگ بهدینان»، «فرهنگ سمنانی»، «فرهنگ نائینی» و همچنین تصحیح آثاری نظیر «مهمان‌نامه بخارا» و «تاریخ گیلان و دیلمستان» از جمله کتاب‌هایی هستند که به همت و کوشش وی در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند. پیکر این استاد دانشگاه بیست و دوم فروردین ماه سال ۱۳۹۵ در امامزاده آقاسیدحسین سلمانشهر به خاک سپرده شد.

■ **چهره‌ها**

پیروز ارجمند، نوازنده و آهنگساز، فراخوان شرکت در نمایشگاه «تصویرسازی قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را در استوری خود به اشتراک گذاشته، علاقه‌مندان برای ارسال فایل‌های خود از ۲۵ تا ۳۰ اردیبهشت ماه فرصت دارند. آن‌طور که در بخشی از پست این هنرمند درباره نمایشگاه مذکور آمده، موضوع بخش اصلی این نمایشگاه «داستان‌های منتخب از مجموعه کتاب‌های قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و در بخش ویژه هم موضوع خود مهدی آذریزدی به‌عنوان قصه‌گوی خوب کودکان ایرانی است. علاقه‌مندان به کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند سری به صفحه پیروز ارجمند بزنند.

علیرضا ثانی‌فر، بازیگر و نویسنده، پوستر سریال «نوبت لیلی» را منتشر کرده و از آغاز پخش آن خبر داده است. در توضیحات پست ثانی‌فر آمده:«پخش سریال (نوبت لیلی) به تهیه‌کنندگی و کارگردانی روح‌الله حجازی از دوشنبه آغاز شده است.» این مجموعه به صورتی هفتگی، هر دوشنبه، ساعت ۲۰ از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود. از جمله بازیگران حاضر در این سریال می‌توان به حمیدفرخ‌نژاد، مریلا زارعی، پردیس احمدیه، لادن مستوفی، علی ثانی‌فر و مهران غفوریان اشاره کرد. ساخت این مجموعه یک سال به طول انجامیده و در نهایت برای پخش در ۲۲ قسمت آماده شده است.

سجاد افشاریان، بازیگر و کارگردان تئاتر، بخشی از اجرای نمایش «بک تو بلک» را با مخاطبان به اشتراک گذاشته، اجرای این نمایش در پردیس تئاتر شهرزاد است. آن‌طور که افشاریان نوشته با اتمام بلیت‌ها، تمدید سانس‌های جدید روی سایت تیوال آغاز شده است.

افشاریان پیش‌تر نیز این تئاتر را در زمستان ۱۴۰۰ روی صحنه برده و علاقه‌مندان از آن استقبال کرده بودند.

بهرام افشاری، بازیگر هم پستی انگیزشی منتشر کرده و در ضمیمه آن هم نوشته: «فراموش نکنید، دیروز به تاریخ پیوست، فردا معما و امروز هدیه است.»

حمید خزاعی، خواننده موسیقی ایرانی هم بخشی از کار تازه‌اش با عنوان «شهر من(تهران)» را منتشر کرده، در اطلاعات این قطعه خواننده کار خود خزاعی و آهنگساز و تنظیم‌کننده آن بابک شهرکی عنوان شده است. شاعر آن هم «صالحه زهره‌وند» و کار عکس را هم «رضا اردشیری» انجام داده است.

جمال رحمتی، هنرمند کاریکاتوریست، تصویری از تازه‌ترین کار خود که رستم را در حال ساز زدن نشان می‌دهد، منتشر کرده، البته اطلاعات چندانی در این رابطه ارائه نکرده و تنها به ذکر توضیحات چند کلمه‌ای اکتفا کرده که نشان می‌دهد وی مشغول طراحی خوان رستم، خوان چهارم شاهنامه است.

سینا جهان‌آبادی، نوازنده و آهنگساز تصویری از خود به همراه محمد معتمدی و همچنین محمد جابری دیگر هنرمندان این عرصه منتشر کرده و در توضیحات آن نیز نوشته: «با دوستان در کنسرت شب گذشته تئاتر دولویل پاریس»

عکس نوشت

شهر تاریخی فرح‌آباد به فاصله ۲۵ کیلومتری شمال‌ساری واقع شده است. این مجموعه شامل بنای آجری مسجد، مدرسه، پل، حمام و کاخ جهان‌نما است. این شهر در دوران آبادانی، بسیار باشکوه و پرجمعیت بود به‌طوری که دیدن آن چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کرده، مصادیق آن را می‌توان در نوشته‌های جهانگردانی چون پیترو دلاواله و شاردن و دیگران مشاهده کرد./میراث آریا